



## نقش فضای صدور در فهم نهج البلاغه

باقر ریاحی مهر<sup>۱\*</sup>، سیدعیسی مسترحمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۷

### چکیده

عقلا در مفاهمه خود، شرایط و فضای زمانی و مکانی را در نظر می‌گیرند، لذا درک کامل این مفاهمات، فارغ از این مسأله، امری مشکل و در برخی موارد غیرممکن است. دریافت مفاهیم نهج البلاغه نیز بدون توجه به فضا و موقعیت‌های صدور کلام امیرالمؤمنین (ع)، دریافتی ناقص خواهد بود. دانستن فضای صدور کلام امام علی (ع) سبب درک مفهوم و مصداق کلمات به کاررفته در سخنان آن حضرت، برطرف شدن ابهام و یافتن پاسخ برخی شبهات وارده به متن نهج البلاغه و نیز کشف مطابقت سخنان حضرت با مقتضای حال مخاطبان آن می‌شود. از سوی دیگر می‌توان شخصیت امیرالمؤمنین (ع) و معاصران ایشان را از این رهگذر شناخت و شیوه‌ی تربیتی و حکومتی آن حضرت را با فهم فضای صدور عبارات این کتاب شریف ممکن ساخت. بخش عمده‌ای از فضای صدور نهج البلاغه را می‌توان با تحلیل متن نهج البلاغه، مراجعه به مسانید و مصادر این کتاب و بهره‌گیری از برخی منابع حدیثی و تاریخی به دست آورد.

**کلیدواژه‌ها:** حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، فضای صدور، شأن صدور، اسباب صدور

۱. کارشناس ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه

\*: نویسنده مسئول

## مقدمه

پس از قرآن و احادیث نبوی، روایات امامان معصوم به ویژه کلمات امیرالمؤمنین در نهج البلاغه از مهم‌ترین منابع دینی مسلمانان به شمار می‌رود. فهم دقیق سخنان حضرت علی (ع) در این مجموعه همانند کلمات دیگر معصومان قواعد و شرایط خاصی دارد که توجه به فضای صدور از جمله آنها است؛ زیرا بسیاری از کلمات این بزرگواران در فضای حوادث و وقایع زمان خویش القا شده است و یا در مقام پاسخ به پرسش مخاطبان، یا نقد نظریه‌ای کلامی یا دیدگاهی فقهی ایراد شده و یا ممکن است از روی تقیه صادر شده باشد.

وقتی دانسته شود که خطبه‌ها در جمع کدام گروه و حزب ایراد شده است، مخاطبان حضرت چه کسانی بوده‌اند؛ ایشان در سخنانشان به کدام حادثه اشاره می‌کنند و به‌طور کلی چه عامل عقیدتی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی و ... امام را به ایراد سخن واداشته است، فهم دقیق‌تری از کلام حضرت به دست می‌آید و پرده از برخی اسرار کلمات ایشان کنار می‌رود.

یکی از دانشمندان معاصر، اهمیت توجه به شأن صدور روایات را این‌گونه خاطر نشان می‌کند: «تمام حوادث در بستر تاریخی خود شکل می‌گیرند. انسان با زمان رابطه متقابل و تأثیر و تأثر دارد. در طول تاریخ انسان متأثر از شرایط محیط و فرهنگ خود بوده است و نیز بر آن تأثیر داشته است» (مرتضی عاملی، ۱۳۶۹: ۶۴/۵). ایشان با اشاره به این نکته که ما گفتار، رفتار و تأییدات مجرد نداریم، می‌نویسد: «درک درست بسیاری از نصوص نیازمند آگاهی کامل از زمان، مکان و شرایطی است که در آن صادر شده است. محیط و عکس‌العمل آن در مقابل نصوص صادره را باید بشناسیم. شناخت این موارد ما را در فهم حدود قیود و درک اشارات و لطایف آن یاری می‌کند.» (همان: ۶۹)

اهتمام حضرت علی (ع) به ذکر شأن نزول آیات در مصحف مخصوصشان (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ۴۲/۱؛ مجلسی، بی‌تا: ۲۳/۸۹ و ۴۲) نیز از دیگر مواردی است که ما را به اهمیت فضای صدور چه در آیات و چه در روایات، رهنمون می‌سازد. ویژگی مصحف حضرت علی (ع)، بیان تفصیلی شأن نزول آیات قرآن بوده است. ایشان علم به شأن نزول آیات قرآن را نشانه برتری خویش بر دیگر مفسران قرآن می‌دانند و می‌فرمایند: ﴿و ما نزلت آية الا و قد علمت فيم نزلت و علی من نزلت و بم نزلت﴾ (صدوق، ۱۴۰۴: ۶۷/۱؛ حسکانی، بی‌تا: ۴۰/۱) (و آیه‌ای نازل نشد مگر این‌که دانستم در مورد چه چیزی و در مورد چه کسی و به چه خاطر نازل شد). آن حضرت علم به شأن نزول آیات را از جمله دانش‌هایی می‌دانند که از پیامبر اعظم فراگرفته‌اند (حسکانی، بی‌تا: ۴۴/۱؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۳۸/۴۰).

۱. در مورد اهمیت اسباب نزول، زرکشی علم به اسباب نزول را سرآمد علوم قرآنی معرفی کرده است (زرکشی، ۱۴۰۸: ۹۲/۱). واحدی نیشابوری نیز این علم را ضروری‌ترین معرفت و سزاوارترین رشته به بذل عنایت می‌داند و سبب تألیف کتاب اسباب النزول را عدم امکان تفسیر آیات، بدون آگاهی از تاریخ و شرائط نزول آن می‌داند (واحدی، ۱۴۱۴: ۱۰) اهمیت این امر باعث شده تا تدوین کتاب‌هایی در این موضوع از قرن سوم هجری (علی بن مدینی) آغاز شده و تا عصر حاضر ادامه یابد (محمد باقر حجتی، محمد باقر محقق، غازی عنایت، از جمله معاصرانی هستند که به نگارش کتاب‌هایی در زمینه اسباب نزول پرداخته‌اند).

علی‌رغم اهمیتی که برای شأن صدور روایات گفته شد، متأسفانه سخنان حضرت در نهج‌البلاغه همانند بسیاری از روایات، بدون اشاره به فضای صدور آن‌ها نقل شده است. سید رضی تنها به تعداد کمی از شأن صدورها اشاره کرده است و از بین شارحان نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید نیز از معدود کسانی است که به بیان شأن و سبب صدور کلمات حضرت پرداخته‌اند.

فضای صدور در کتاب‌های حدیثی با نام‌هایی چون اسباب صدور حدیث، اسباب ورود حدیث و اسباب الحدیث نامبردار است (سلیمانی، ۱۳۸۳: ۶۷) و از جمله مباحث زیرمجموعه فقه الحدیث است (معماری، ۱۳۷۷: ۷۵) که بیانگر علل و زمینه‌هایی است که باعث صدور قول یا فعل و یا تقریر از ناحیه معصوم (ع) می‌شود (سلیمانی، ۱۳۸۳، ۶۵ و ۶۸)؛ به بیان دیگر سبب ورود حدیث یعنی زمینه‌ای که موجب شده است تا معصوم (ع) سخنی بگوید و حکمی را بیان و مسأله‌ای را طرح یا رد و انکار کند و یا حتی کاری انجام دهد، پس علم اسباب ورود حدیث، همانند علم اسباب نزول قرآن کریم می‌باشد (حسینی، ۱۴۰۱ ق: ۳)؛ البته همان‌طوری که تمام آیات قرآن دارای سبب خاصی نیستند، احادیث نیز چنین‌اند (سلیمانی، ۱۳۸۳: ۷۰).

با توجه به آن‌چه گفته شد، منظور از فضای صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه موقعیت‌هایی است که امام علی (ع) به ایراد خطبه پرداخته و مطالبی را بیان کرده‌اند که گاهی این شرایط به‌نوعی در عصر زندگی علی (ع) مطرح بوده است، مانند فضای فرهنگی، علمی و شرایط اجتماعی و گاهی چنین شرایطی مختص یک خطبه و یک‌زمان معین می‌باشد.

این مقاله با بیان اهمیت و فواید درک فضای صدور در فهم سخنان امیرالمؤمنین (ع)، معیارهایی نیز برای به دست آوردن فضای صدور و توجه به موانع درک فضای صدور، پیشنهاد داده و در طول این مسیر، همواره نمونه‌هایی از نهج‌البلاغه ارائه نموده است.

### پیشینه پژوهش

در بین مقالات، تاکنون دو مقاله مرتبط با این مقاله نگاشته شده است: «بررسی روش‌های ابن‌ابی‌الحدید در فهم متن نهج‌البلاغه» نوشته محمدعلی مهدوی‌راد؛ محسن رفعت و «فضای فرهنگی-اجتماعی صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه» نوشته احد دآوری چلقائی.

با توجه به این پیشینه، مقاله یا کتابی که به‌صورت جداگانه جایگاه فضای صدور در فهم نهج‌البلاغه تبیین و بررسی کرده باشد، نگاشته نشده و از این جهت مقاله پیش‌رو دارای مسأله‌ای جدید است.

### مفهوم‌شناسی فضای صدور

واژه شأن در معانی: خُطَب (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۲/۲) کار، حال، (جوهری، ۱۴۱۰: ۲۱۴۲/۵) طلب و قصد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۳) به کار رفته است و واژه صدور نیز مصدر «صَدَرَ» و به معنای برگشتن معنا شده است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۷۵/۱).

مراد از مورد صدور روایات، واقعه، رویداد، پرسش و ... است که به اقتضای آن کلامی از معصوم علیه‌السلام صادر شده است.

در اصطلاح علوم قرآنی برخی مفسران قرآن، بین شأن نزول، فضای نزول و جوّ نزول قرآن تفاوت قائل شده‌اند، ایشان شان نزول را حوادث اتفاق افتاده در عصر پیامبر (ص) و همچنین مناسبت‌ها و عوامل زمینه‌ساز آیات می‌دانند، فضای صدور یک سوره از نگاه ایشان پرده‌برداری از رخ دادها و شرایطی است که در طی نزول آیات یک سوره، بر مسلمانان و جهان حاکم بوده است و جوّ نزول مربوط به سراسر قرآن کریم و بستر نزول قرآن در طی ۲۳ سال است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۳۵/۱-۲۳۶).

اما مراد از فضا یا شأن صدور روایات نهج‌البلاغه در این مقاله، تمامی مفاهیم یاد شده می‌باشد علاوه‌بر این مراد از فضای صدور، اعم از سبب و شأن صدور است.

البته باید توجه داشت که هرچند توجه به این امور در فهم متن بسیار کمک می‌کند اما مباحث مطرح در قرآن و نهج‌البلاغه فرازمانی هستند و محدود در تاریخ خاصی نیستند؛ و در واقع تلاش ما این است که با توجه به فضای صدور، مفاهیم فرازمانی را از معارف قرآن و نهج‌البلاغه اخذ نماییم.

### موضوعات سخنان حضرت

گسترده‌گی موضوعاتی که در نهج‌البلاغه به آن پرداخته شده است، مسأله دیگری است که اهمیت توجه به شأن صدور آن‌ها را تأکید می‌کند. سخنان حضرت امیر (ع) در نهج‌البلاغه را می‌توان با توجه به موضوع، به چند گروه تقسیم کرد. البته باید توجه داشت آن‌چه سید رضی به‌عنوان یک خطبه در یک‌جا آورده، ممکن است ترکیبی از چند خطبه باشد و چند موضوع را در خود جای دهد. موضوعات و مسائل محوری در نهج‌البلاغه را می‌توان در چند دسته جا داد:

**۱. توحیدی و اعتقادی:** بخش قابل‌توجهی از خطبه‌های نهج‌البلاغه به موضوعات اعتقادی و مباحثی چون توحید، نبوت، امامت و معاد اختصاص یافته است. امام علی (ع) در فرازهای متعددی از خطبه‌های بلند خویش، مسائل غامض و پیچیده توحیدی را با بیانی شیوا و فنی توضیح می‌دهد، همچنین ضرورت بعثت پیامبران (نبوت عامه) و ضرورت بعثت رسول گرامی اسلام (ص) را با بیانی مستدل و زیبا به‌گونه‌ای تشریح و تبیین می‌کند که برای همه اقشار فکری انسان‌ها، قابل‌فهم و درک باشد و نیز ضرورت «امامت» را در تمام ادیان و ملل، به ارزیابی می‌گذارد که بدون «امامت» راه پیامبران، تداوم نخواهد داشت. (خطبه

۱. اگرچه دیگران به گونه‌های مختلفی به تقسیم بندی محتوای نهج‌البلاغه پرداخته‌اند ولی این تقسیم‌بندی در برخی بخش‌ها ابداعی است.

۱) خطبه (اشباح) نمونه‌ای ارزشمند از این مورد است که در مورد «خداشناسی» و «راه‌های خداشناسی» و «صفات پروردگار» و «پیامبر شناسی» و «امام‌شناسی» و «معاد شناسی» و «راه‌های اثبات عدالت خدا» ایرادشده است (خطبه ۹۱).

۲. **اخلاقی-تربیتی:** سخنان آن حضرت پیرامون آخرت (خطبه ۱۳۳ و ۱۷۶)، عبادت (خطبه ۹۷ و حکمت ۱۴۵) و ترک گناه (خطبه ۱۴۰ و ۱۵۷ و ۱۷۹) در این مجموعه قرار می‌گیرد. در این بخش از کلمات حضرت، توصیف با توصیه در هم آمیخته شده است.

۳. **سیاسی:** حضرت پس از به دست گرفتن حکومت، به مناسبت‌های مختلفی به ایراد خطبه و یا نوشتن نامه اقدام نموده و در آن به تشریح مواضع و اهداف سیاسی خویش می‌پرداختند (خطبه ۳۴، ۴۰، ۱۷۳ و ۲۱۶). برخی از نویسندگان صاحب‌نظر در عرصه خطابه، شکوفایی خطبه‌های سیاسی را مدیون خطبه‌های پیامبر اعظم (ص) و حضرت امیر (ع) می‌دانند (احسان النص، بی‌تا: ۱۵۰).

۴. **علمی:** در این مجموعه سخنان، امام (ع) شگفتی‌های آفرینش انسان (خطبه ۸۳ و ۱۶۳)، آسمان‌ها (خطبه ۹۱)، زمین (همان)، طاووس (خطبه ۱۶۵)، خفاش (خطبه ۱۵۵)، ملخ (خطبه ۱۸۵) و ... را بیان فرموده و آن را نشانه‌ای برای شناخت خداوند متعال معرفی کرده‌اند.

۵. **نظامی:** با توجه به این که مدت زیادی از زمان خلافت حضرت با سه جنگ نهروان، جمل و صفین همراه بود، طبیعی است که بخش گسترده‌ای از خطبه‌های ایشان را مسائل مربوط به جنگ تشکیل دهد. تحریض به جنگ (خطبه ۲۴۱)، آموزش فنون رزمی (خطبه ۱۱ و ۴۸ و ۶۶ و ۱۲۲ و ۱۶۷ و ۱۹۰)، مدح شهادت (خطبه ۶۵) و سرزنش فرار از جنگ (خطبه ۶۵ و ۱۲۴) از جمله موضوعاتی است که حضرت در بخشی از کلماتشان به آن پرداخته‌اند. ویژگی‌های عمده این مجموعه از سخنان حضرت عبارت‌اند از: الف: کوتاه است و باعث خسته شده جنگجویان نمی‌شود. ب: از قالب حماسی برخوردار است و روحیه حماسی شنوندگان را برمی‌انگیزد. ج: از کلمات و عبارات ساده استفاده شده است و برای همه قابل فهم است.

۶. **معرفی خویش و بیان جایگاه اهل بیت:** حضرت برای تبیین مقام، جایگاه و مسئولیت امامان معصوم و وظایف مردم در قبال آنان سخنانی را ایراد کرده‌اند (خطبه ۲ و ۱۴ و ۳۷ و ۷۴).

### فواید شناخت فضای صدور

آگاهی از فضای صدور سخنان حضرت در نهج‌البلاغه فواید متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

#### ۱. درک و فهم بهتر معنای سخنان امام علی (ع)

از مهم‌ترین فواید شناخت اسباب صدور کلمات حضرت امیر (ع) را می‌توان فهم بهتر مفهوم سخن ایشان و امکان بهره‌برداری خاص و بهتر از آن دانست.

شناخت شأن صدور کلمات امام علی (ع) سبب می‌شود درک کاملی از سخنان ایشان حاصل شود و امکان بهره‌برداری خاص و بهتر از آن فراهم شود؛ چرا که با توجه به تقطیع کلمات حضرت، فهمیدن

مرجع بسیاری از ضمائر (مثل خطبه ۵۹، ۶۰ و ۷۳) مترتب بر دانستن سبب صدور آن سخن است. علاوه- بر این در بسیاری موارد حضرت به مخاطب خویش با ضمیر مخاطب اشاره کرده است و صراحتاً از او نامی نبرده است و صرفاً با دانستن شأن صدور آن سخن می‌توان مخاطب حضرت را شناخت و یا در برخی از خطبه‌های حضرت به مکان‌هایی اشاره شده است بدون این که نام آن‌ها ذکر گردد. مثلاً در خطبه چهارده بدون این که از بصره نام برده شود، توصیف شده و یا در خطبه سی‌وشش از رودی نام برده شده که فقط شأن صدور آن خطبه می‌تواند معین سازد مراد، رود نهر روان است.

نمونه دیگر این که وقتی امام (ع)، کمیل را از شهر خارج می‌کند و به قبرستان می‌برد تا از غوغاهای زمانه و اشتغالات دنیوی و تاریکی اوهام عصر خود جدا سازد، برای آمادگی بیشتر و توجه دادن به مطلبی که قرار است برای او بیان شود، می‌فرماید:

ای کمیل! بهترین قلب‌ها، قلبی است که گنجایش بیشتری داشته باشد، پس آنچه می‌گوییم به خوبی حفظ نموده و به خاطر داشته باش! «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِي، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَي سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَهَمَّجٌ رَعَاغٌ...» (حکمت ۱۴۷). با تأمل در این شرایط معلوم می‌شود که این گونه مطالب چنان نیست که برای همه و در هر جا بیان شود؛ بلکه سخن ویژه‌ای است که حضرت در مکان و زمان خاص برای افراد نخبه و برگزیده بیان کرده است. دانستن فضای صدور و علت ایراد خطبه‌ها علاوه بر فهم بهتر می‌تواند به رفع تضادهای ظاهری نیز کمک کند، به عنوان نمونه حضرت علی (ع) در خطبه ۲۰۶ می‌فرماید: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»؛ من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید.

ولی در خطبه ۱۳۵ به مغیره بن شعبه چنین می‌گوید: «يَا بْنَ اللَّعِينِ الْاَبْتَرِ، وَالشَّجَرَةَ الَّتِي لَا أَصْلَ لَهَا وَلَا فَرْعَ...»؛ «ای فرزند لعنت شده دم بریده و درخت بی‌شاخ و برگ...!» حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا حضرت یک‌جا از دشنام‌دادن نهی می‌کند و در جایی دیگر خود این چنین کلماتی بر زبان می‌آورد؟

با مراجعه به فضای صدور هر دو خطبه تضاد ظاهری حل خواهد شد؛ زیرا امام وقتی در جنگ صفین شنید که یارانش شامیان را دشنام می‌دهند، فرمود: آن‌ها را دشنام ندهید؛ بلکه کردارشان را بیان و حالات آن‌ها را بازگو نمایید و بهتر آن است که بگویید: خدایا خون ما و آن‌ها را حفظ کن و بین ما و آن‌ها را اصلاح فرما (اسکافی، بی‌تا: ۱۳۷؛ ابن‌ابی‌الحدید: ۲۱-۲۴).

اما مورد دوم مربوط به موقعی است که مغیره بن شعبه با آن شخصیت ویژه و شگفت‌آوری که دارد، از سوی عثمان به نزد حضرت آمده و می‌خواهد حضرت را از پای در آورد و سخنان زشتی بر زبان می‌آورد، حضرت با توجه به سابقه وی و دفاع از عملکرد خود در قبال عثمان اقدام به بیان چنین سخنانی کرده است (پیشین: ۳۰۲ و ۳۰۳؛ امینی، ۱۳۹۷: ق: ۳۳۰؛ محمودی، ۱۳۹۷: ق: ۱۶۲ و ۱۶۳)

همچنین شأن صدور برخی از کلمات حضرت این مسأله را نمایان می‌سازد که آن عبارات در معنای

موضوع له و حقیقی خود استعمال شده است. به عنوان مثال، درباره خطبه ده نهج البلاغه گفته شده که این خطبه در شأن معاویه ایراد شده است؛ (ابن ابی الحدید، ۲۳۹/۱) که در این صورت مراد از تعبیر «شیطان» در این خطبه، «معاویه» است و استعمال این واژه مجازی است و اگر این شأن صدور را نپذیریم، مراد، شیطان واقعی است و این استعمال حقیقی می‌باشد؛ لذا آگاهی از شأن صدور امکان تفکیک کاربردهای حقیقی و مجازی در کلام امام (ع) را نیز ممکن می‌سازد.

بنابراین مهم‌ترین فایده فضای صدور را می‌توان فهم بهتر مفهوم حدیث دانست؛ (هاشم، ۱۴۱۸ ق، ۲۶۰).

## ۲. برطرف کردن اجمال و اشکالات وارد شده

یکی دیگر از فواید شناخت اسباب صدور از بین بردن اجمال برخی از کلمات امام(ع) و پاسخ به سؤالات و شبهاتی است که در مورد سند نهج البلاغه و یا برخی موضع‌گیری‌های آمده در آن وارد شده است. برخی از نویسندگان، بخش‌هایی از نهج البلاغه را جزء مواردی می‌دانند که توسط برخی شیعیان به حضرت علی (ع) نسبت داده شده است. آنان بخش‌هایی را که حاوی مطالب علمی و عقلی است و یا نسبت به خلفای پیشین سخنی گفته شده را از این جمله می‌دانند.<sup>۱</sup>

آنان به این مسأله استناد می‌کنند که مردم عرب در صدر اسلام با مباحث عقلی و علمی آشنایی نداشتند و این دانش‌ها در دوران خلفای عباسی، از یونان و ایران به سرزمین‌های عربی راه یافت و مسلمانان با آن آشنا شدند و بعید است حضرت علی (ع) آنان را با این کلمات مخاطب قرار داده باشد (امین، ۱۹۶۹ م: ۱۴۹).

عمر فروخ اعتراف می‌کند: شکی نیست که بسیاری از خطبه‌ها از امام علی (ع) است، ولی تعدادی از آن‌ها آمیخته به آرای فلاسفه اسکندرانی است که عرب‌ها پس از دوران امام علی (ع) با آن آشنا شدند (فروخ، ۱۹۸۳ م: ۱۸۷).

منشأ این شبهه عدم آشنایی با فضای صدور کلمات حضرت است و اگر آن فضا درست مورد توجه قرار گیرد بسیاری از این شبهات پاسخ داده می‌شود. به عنوان مثال برخی از این مباحث علمی و عقلی در پاسخ به سؤالاتی بوده است که در زمان حضرت مورد بحث و گفتگو بین اندیشمندان و حتی برخی از توده مردم بوده است.

عبارت «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي ...» (خطبه ۱۸۹؛ حر عاملی، ۱۳۹۱: ۱۲۸/۱۵) (پیش از این که مرا نیابید هر آن چه می‌خواهید از من بپرسید.) از حضرت بسیار مشهور است و طرح این ادعا، خود پرسش‌های فراوانی را از طرف مردم به دنبال داشت؛ که برخی برای رسیدن به حقیقت و برخی برای جدال و ایجاد شبهه در دل دیگران از حضرت سؤالاتی می‌پرسیدند. مثلاً ذُلبَ یمانی از اصحاب حضرت علی (ع) است<sup>۲</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۲۲۳/۴؛ مقبلی یمنی، بی‌تا: ۴۵۲؛ ذهبی، بی‌تا: ۲۳۳/۲؛ امین، ۱۹۶۹: ۱۴۸.

۲. امام صادق (ع) او را با عنوان مردی زبردست و متفکر یاد می‌کند.

که سؤالاتی درباره صفات خداوند از حضرت پرسید و امام با مطالب عقلی پاسخ دادند (کلینی، ۱۳۶۱: ۱۳۸/۱؛ محمودی، ۱۳۹۷: ۴۷۴/۱).

علاوه بر این، به دلیل وجود برخی از این مسائل در قرآن، این مباحث در زمان خود پیامبر هم مطرح بوده است و حضرت امیر (ع) نیز به تبیین آن مسائل قرآنی می‌پرداختند. به تعبیر شهید مطهری: «محرک و الهام‌بخش علی (ع) در طرح مسائل عقلی و فلسفی تنها تفسیر قرآن مجید است. اگر علی (ع) نبود، شاید برای همیشه معارف عقلی قرآن بدون تفسیر می‌ماند» (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۹۴/۱۶).  
عمر فروخ خود به این مسأله این‌گونه اعتراف می‌کند: وقتی اعراب، عراق، شام، ایران و مصر را فتح کردند و بسیاری از آنان مسلمان شدند، عده‌ای از یهود، نصارا و مجوس از فرقه‌های مختلف و مذاهب پراکنده، در بین مسلمانان وارد شدند. هرچند آنان دینشان را به سرعت تغییر می‌دادند ولی انتظار نمی‌رفت ذهنیتشان را هم به همین سرعت تغییر دهند و سؤالاتی می‌پرسیدند که حضرت علی (ع) به آنان پاسخ می‌داد (فروخ، ۱۹۸۳ م: ۱۹۳). بسیاری از این افراد معارف اسلامی را ناسازگار با معارف دین قبلی تحریف شده خود مانند مسأله توحید، فداء و ... می‌دیدند و سعی داشتند با طرح مباحث علمی و عقلی به حقیقت دست یابند.

همچنین برخی از ناآشنایان به فضای صدور کلمات امام (ع) این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا امام در مواردی از سخنانشان مواضع متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. به‌عنوان مثال: گاهی از خلفای پیشین صراحتاً نام می‌برند (نامه ۱۴۱۴).

و گاهی به اشاره اکتفا می‌کند (خطبه ۳ و نامه ۶۲) یک‌بار از عایشه نام می‌برد (خطبه ۳) و گاهی با کنایه فلان از او یاد می‌کند (خطبه ۱۵۶) گاهی دستور تعقیب دشمن را صادر می‌کند (نامه ۳۶) و گاهی از این کار نهی می‌کند (نامه ۱۴)؛ و یا با وجود این که خلفای سابق، حق خلافت را از ایشان غصب کرده بودند اما به آنان مشاوره می‌دهد (همان: ۱۳۴).

توجه به شأن صدور این‌گونه از کلمات حضرت نشان می‌دهد ایشان با توجه به اقتضای زمان و موقعیت، سخن گفته‌اند. مثلاً وقتی با هجوم قیصر روم به سرزمین‌های اسلامی، اصل اسلام در خطر قرار می‌گیرد، حضرت با مشاوره نظامی به خلفا، کمک بزرگی در حفظ اسلام نمودند. (بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۶۲/۳).  
و یا این که چرا حضرت در برخی سخنانشان از خویش تعریف و تمجید نموده و فضائل خویش را بازگو می‌کنند، سؤالی است که ممکن است در ذهن برخی افراد خطور کند. شأن صدور سخنان حضرت، این سؤال را نیز پاسخ می‌دهد. علاوه بر این که در برخی موارد شناخت فضائل حضرت، قبول سخنان و سفارشات ایشان را برای مخاطب آسان‌تر می‌نمود در بعضی از موارد آن حضرت در مقام دفاع از خود، مجبور می‌شدند ویژگی‌های ممتاز خویش را آشکارا بیان کنند. تهمت‌هایی همچون، افتراء بر پیامبر در اخبار غیبی که از ایشان نقل می‌فرمود (خطبه ۳۷)، ترس از جنگ (خطبه ۵۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۳۴۷/۲) شراکت در قتل عثمان (خطبه ۷۵) و تهمت کفر (خطبه ۵۸؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۳۴۷/۲)، حضرت را مجبور به دفاع از خود که در حقیقت دفاع از مقام ولایت بود، می‌نمود.



### ۳. شناخت ویژگی‌های امام علی (ع)

از دیگر فواید شناخت اسباب صدور شناخت ویژگی‌های امیرالمؤمنین است؛ ویژگی‌هایی چون:

**الف- تبخّر امام (علیه‌السلام) در بلاغت:** فصاحت و بلاغت کلام امام وقتی بیشتر نمایان می‌شود که مطابقت آن با مقتضای حال مخاطب آشکار شود و این مسأله با دانستن شأن صدور آن سخنان امکان‌پذیر است، در این رابطه می‌توان به برخی خطبه‌های حضرت که در آغاز جنگ و برای تحریک سپاه ایرادشده اشاره نمود: تحریض به جنگ (خطبه ۲۴۱)، آموزش فنون رزمی (خطبه ۱۱ و ۴۸ و ۶۶ و ۱۲۲ و ۱۶۷ و ۱۹۰)، مدح شهادت (خطبه ۶۵) و سرزنش فرار از جنگ (خطبه ۶۵ و ۱۲۴) از جمله موضوعاتی است که حضرت در بخشی از سخنانشان به آن پرداخته‌اند. ویژگی‌های عمده این مجموعه از سخنان حضرت عبارت‌اند از: الف: این که کوتاه است و باعث خسته شدن جنگجویان نمی‌شود. ب: از قالب حماسی برخوردار است و روحیه حماسی شنوندگان را برمی‌انگیزد. ج: از کلمات و عبارات ساده استفاده شده است و برای همه قابل فهم است. علاوه بر این، بسیاری از خطبه‌های حضرت فی‌البداهه ایرادشده است که نشان از حدّ اعلای بلاغت ایشان دارد.

**ب- تواضع و احترام حضرت نسبت به پیامبر گرامی اسلام:** با توجه به اسباب صدور کلمات و خطابه‌های حضرت می‌توان دریافت که ایشان در زمان حیات پیامبر، به احترام ایشان هیچ‌گونه خطبه‌ای ایراد نکرده‌اند.

**ج- صدق پیش‌گویی‌های حضرت:** برخی از کلمات حضرت، اخباری است که حوادث آینده را تبیین می‌کند و در برخی موارد تنها با دانستن شأن صدور این سخنان می‌توان پی برد درباره چه شخص یا حادثه‌ای سخن می‌گویند. به‌طور مثال خطبه پنجاه‌وهفت، از حاکم شدن معاویه بر کوفه (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۵۴/۴) و خطبه پنجاه‌ونه از کشته شدن تعداد زیادی از خوارج و محل کشته شدن آن‌ها خبر می‌دهد (خطبه ۵۹؛ مسعودی، ۱۹۴۸: ۴۱۶/۲) خطبه هفتادوسه نیز به حکومت رسیدن چهار فرزند مروان بن حکم و گرفتار شدن مسلمانان به دست آن‌ها را پیش‌گویی می‌کند (خطبه ۷۳).

**د- سرعت استجاب دعاى حضرت:** فاصله کم بین درخواست‌های حضرت از خداوند متعال و اجابت آن، نشان از قدر و منزلت بالای ایشان در درگاه الهی دارد. حضرت در پایان عمر شریفشان از خدا درخواست نمودند که ایشان را از آزار و اذیت مردم راحت کند (خطبه ۲۵ و ۷۰).

**و- مظلومیت حضرت:** شأن صدور کلمات حضرت، تاریخ ایراد آن‌ها را نیز مشخص می‌کند. مضمون برخی از خطبه‌هایی که در ماه‌های آخر عمر حضرت ایرادشده است، نشان از مظلومیت ایشان حتی در آخرین دوران عمر شریفشان دارد. به‌عنوان نمونه حضرت در خطبه بیست‌وپنج که در آخرین روزهای عمر حضرت ایرادشده، (همان: ۳۴۸/۱) از نافرمانی کوفیان شکایت می‌کند و در آخر، از خدا درخواست می‌نماید که ایشان را از آنان بگیرد و حاکم بدی را بر آنان مسلط کند.

#### ۴. شناخت ویژگی‌های مردم و شخصیت‌های عصر امام (ع)

ظهور فرقه‌ها و مذاهب کلامی همچون مرجئه<sup>۱</sup>، قدریه، خوارج، جبریه و حضور برخی از اهل کتاب که تازه مسلمان شده بودند، امام (ع) را بر آن واداشته بود که در مواجهه با آن‌ها به ایراد سخن بپردازد. حضرت در نهج‌البلاغه بیش از هشتصد بار با مخاطبان خود سخن گفته و به معرفی یا بیان علاقه و یا نفرت خویش نسبت به برخی از آنان می‌پردازد، برخی را اندرز می‌دهد و با آنان به نرمی، مانند پدری دلسوز سخن می‌گوید و با برخی دیگر با تندی و عتاب برخورد کرده، افکار باطلشان را افشا می‌کند. در خطبه سیزده از بصریون و در خطبه چهل و چهار از مصقله بدگویی شده است. شأن صدور، حاکی از این است که خطبه سیزده پس از جنگ جمل ایراد شده و مذمت‌ها، به دلیل همکاری بصریون با اصحاب جمل است (قطب راوندی، ۱۴۰۶: ۱/ ۲۸۹؛ مفید، ۱۳۶۸: ۲۱۷). مصقله بن هبیره الشیبانی نیز که یکی از فرماندهان امام بوده، اسیران بنی ناجیه را از فرمانده لشکر آن حضرت خرید و آزاد کرد، اما وقتی از او غرامت خواستند به سوی معاویه فرار کرد (خطبه ۴۴) و حضرت در این خطبه به عمل زشت او اشاره می‌کنند. حضرت درباره گروه‌ها و شخصیت‌هایی همچون خلفای ثلاثه (خطبه ۳ و ۳۴۰)، ناکثین (خطبه ۲۲)، خوارج (خطبه ۳۶)، طلحه و زبیر (خطبه ۸ و ۹ و ۳۱ و ۱۴۸)، معاویه (خطبه ۶۱ و ۱۶۲)، عمروعاص (خطبه ۲۶ و ۸۴)، ابوموسی اشعری (خطبه ۱۲۷ و ۲۳۸؛ نامه ۷۸)، محمدبن ابی‌بکر (خطبه ۶۸)، سلمان فارسی (خطبه ۲۲۸) و ... نیز سخن به میان آورده است. این افراد در دوران حضرت و پس از آن منشأ جریان‌های مثبت و منفی بسیاری شدند و شناخت آنان نقش به‌سزایی در تحلیل و فهم درست آن حوادث دارد. این شناخت در بسیاری از موارد در گرو دانستن شأن صدور کلمات حضرت در نهج‌البلاغه است؛ چراکه تنها از این راه است که می‌توان فهمید حضرت در کلامشان به چه کسی اشاره دارند. با دانستن شأن صدور می‌توان افرادی از دوست و یا دشمن که امام به آن‌ها نامه نوشته و یا پاسخ نامه‌های آنها را داده است را نیز شناخت و در برخی موارد از مضمون نامه‌های آنان به حضرت آگاه شد؛ که این امر کمک شایانی به فهم بهتر نامه‌های حضرت می‌نماید.

#### ۵. شناخت شیوه‌ی تربیتی

از اصول مهم در تربیت انسان‌ها، چگونگی برخورد با آنان در موقعیت‌های گوناگون است. هنگامی که سرمست و مغرور پیروزی‌ها هستند (خطبه ۴۲)، یا وقتی گرفتار شکست می‌شوند (خطبه ۲۷ و ۲۹) و یا هنگامی که خطایی از آن‌ها سر می‌زند (نامه ۴۱ و ۱۸) و ... مواجهه خاصی را می‌طلبد. نوع گفتار حضرت در این موقعیت‌ها و با این‌گونه افراد می‌تواند ما را در طراحی برنامه جامع تربیتی کمک کند؛ و نیز آگاهی از فضای حاکم بر برخی از کلمات حضرت، می‌تواند تأثیر زیادی را به همراه داشته باشد. به‌عنوان مثال

۱. مرجئه فرقه‌ای از مسلمانان هستند که معتقدند با وجود ایمان به خدا، انجام گناه باعث ورود به جهنم نمی‌شود. این دیدگاه انحرافی را خلفای بنی امیه برای مشروع جلوه دادن بسیاری از خطاهای خود گسترش دادند. این فرقه در اواخر خلافت عثمان در عراق بنیان‌گذاری شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک. ابو زهره، بی‌تا: ۱۰۰.

حضرت درحالی که اشک با کلماتشان همراه شده بود (متقی هندی، ۱۹۷۹: ۸/ ۲۰۰) در خطابه‌ای فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَكُونُوا مِمَّنْ يَرْجُو الْأَخِرَةَ بغيرِ عَمَلٍ...» (حکمت ۱۵۰) خواننده اگر خود را در آن فضا قرار دهد و اشک حضرت را با این خطبه همراه ببیند درک زیبایی از این کلمات یافته و درک می‌کند که این سخنان واقعاً از قلب حضرت برمی‌خیزد که این امر مسلماً انگیزه را برای عمل تقویت می‌نماید.

### ۶. کمک به تدوین شیوه‌نامه‌ی حکومت

یکی از فوایدی که برای فهم ترتیب نزول سوره‌های قرآن بیان شده این است که می‌توان از آن، شیوه قرآن در تربیت جامعه جاهلی و هدایت آن به کمال را استنباط کرد و از آن برای تربیت جوامع بهره برد. همین مسأله درباره کلمات حضرت امیر (ع) نیز صادق است چرا که ایشان با اعمال روش خاصی جامعه‌ای را که پس از پیامبر به جاهلیت بازگشته بود، به سوی مقصد کمال رهنمایی می‌کرد. حضرت در تشکیل حکومت نیز تمامی اصول حکومتی اسلام را رعایت کرده که البته بسیاری از این اصول زانمند می‌باشد و باید در زمان خاصی انجام پذیرد. یکی از این نمونه‌ها خطبه پانزدهم است که آن را در دومین یا هشتمین (بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۹۵/۱) روز به دست گرفتن حکومت ایراد فرمودند. زمان ایراد این خطبه علاوه بر این که وضعیت جامعه قبل از حکومت حضرت، مخصوصاً زمان حکومت خلیفه سوم را به ما نشان می‌دهد، یادآوری می‌کند که حاکم و رهبر جامعه می‌بایست در ابتدای امر شیوه و اهداف و برنامه‌های خویش را آشکارا بیان کند.

### راه‌های به دست آوردن فضای صدور

یکی از اقداماتی که مناسب بود سید رضی در کنار جمع‌آوری و انتخاب کلمات امیرالمؤمنین انجام می‌داد، ضبط و ثبت شأن صدور خطبه‌ها است. با توجه به منابعی فراوان و دست‌اولی که در اختیار سید رضی قرار داشت، به‌طور قطع این کار دقیق‌تر و کامل‌تر از دوره‌های متأخر انجام می‌شد. ولی مرحوم رضی به ذکر شأن صدور برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها به صورت مختصر اکتفا کرده است.

در دوران معاصر از راه‌های مختلفی می‌توان شأن صدور برخی از کلمات حضرت را به دست آورد.<sup>۱</sup>

۱. **تحلیل متن نهج البلاغه:** تحلیل متن در برخی موارد بیانگر شأن صدور حدیث است، به‌عنوان مثال در خطبه ۴۷ امام علی (ع) خطاب به کوفه می‌فرماید: «كَأَنِّي بَكَ يَا كُوفَةَ تُمَدِّينَ مَدَّ الْأَدِيمِ الْعُكَاظِي» از محتوای عبارت معلوم می‌شود که حضرت این خطبه را زمانی در کوفه ایراد کرده است که از مردم کوفه غضبناک بوده است. چنان که با دقت در محتوای خطبه ۵۴ «فَتَدَاكُوا عَلَيَّ تَدَاكَ الْأَبِلِ الْهَيْمِ يَوْمَ»

۱. شایان ذکر است که علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که تدبر در معانی آیات قرآن را از راه‌های شناخت آیات و سور مکی و مدنی و اسباب النزول می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۰۶ و ۱۱۱): اگر این نظریه را بپذیریم «تحلیل متن نهج البلاغه» بهترین راه برای فهم فضای صدور خواهد بود.

وَرْدَهَا» که در مورد روز بیعت ایراد فرموده است، می‌توان فضای بیعت با حضرت در مدینه را تبیین کرد و در فهم خطبه‌هایی که در روز بیعت یا پس از آن ایراد شده است به کار گرفت.

با مطالعه دقیق برخی از سخنان امام می‌توان فضای صدور آن کلام را تشخیص داد. قالب، لحن و نوع مفردات و ترکیب برخی از کلمات حضرت، می‌تواند ما را تا حدودی در فضای آن سخن قرار دهد.

**۲. تذکرات سید رضی در آغاز و پایان خطبه‌ها:** نکته‌هایی که سید رضی قبل و بعد از خطبه‌ها آورده است در به دست آوردن شأن صدور برخی خطبه‌ها نقش به‌سزایی دارد؛ مثلاً سید رضی در ابتدای خطبه ۶۷ «فَهَلَّا اخْتَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَصَّى بِأَنْ يُحَسِّنَ إِلَيَّ مُحْسِنِهِمْ» شأن صدور خطبه را تبیین کرده و می‌نویسد:

زمانی که پس از رحلت حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ماجرای سقیفه را به اطلاع امام رساندند؛ حضرت پرسیدند: انصار در پاسخ مهاجرین چه گفتند؟ پاسخ شنید: [انصار] گفتند: زمامداری از ما و زمامداری از شما مهاجرین انتخاب گردد! امام (ع) فرمود: «فَهَلَّا اخْتَجَجْتُمْ...».

**۳. مطالعه شروع نهج البلاغه:** برخی از شروع نهج البلاغه به بیان زمینه‌های تاریخی برخی از خطبه‌ها و کلمات حضرت پرداخته‌اند که از این بین شرح ابن‌ابی‌الحدید از جمله این شروع است. مثلاً ابن‌ابی‌الحدید در خطبه چهل و ششم نهج البلاغه - که امام به هنگام عزیمت به شام و عبور از سرزمین کربلا، برای مقابله با معاویه ایراد نموده است - به واسطه پرداختن به جریان ورود امام به کربلا و آن‌چه بین امام و اصحابش اتفاق افتاد، به شرح واقعه و همچنین نامه محمد ابن‌ابی‌بکر به معاویه پرداخته است (ابن‌ابی‌الحدید: ۱۶۹/۳ - ۱۹۰).

**۴. بهره‌گیری از مصادر نهج البلاغه:** سید رضی بسیاری از خطبه‌ها را از منابع، جمع‌آوری و تقطیع کرده و آن‌چه در نظر خویش بلیغ‌تر بوده را در نهج البلاغه آورده است، درحالی‌که همان کلمات حضرت، در آن منابع به‌طور کامل و در بسیاری موارد همراه با ذکر شأن صدور، ذکر شده است. برخی کتبی که مصادر نهج البلاغه را گردآوری نموده‌اند عبارتند از: مصادر نهج البلاغه و اسانیده، عبدالزهراء خطیب حسینی؛ مدارک نهج البلاغه، کاشف الغطاء؛ استناد نهج البلاغه، امتیاز علی خان عرشی؛ نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، محمد باقر محمودی؛ مصادر نهج البلاغه، عبدالله نعمت؛ بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج البلاغه، رضا استادی؛ اسناد و مدارک نهج البلاغه، محمد دشتی و روات و محدثین نهج البلاغه، محمد دشتی.

به عنوان نمونه می‌توان به خطبه ۵۴ «قَدْ اسْتَطَعْمُوْكُمْ اَلْقِتَالَ فَاَقْرُؤْا عَلَيَّ مَذَلَّةً وَ تَاْخِيْرٍ مَحَلَّةً ...»

اشاره کرد که بر طبق آن‌چه در مصادر نهج البلاغه آمده است، امام (ع) آن را زمانی که عمرو بن عاص بر مصر غلبه کرد و نماینده امام - محمد بن‌ابی‌بکر - را به شهادت رساند، گروهی از آن حضرت خواستند تا نظر خود را درباره خلفای پیشین بیان کند، امام در جواب آن‌ها فرمود: آیا از فتنه‌گری عمرو بن عاص

فراغت یافته‌اید؟ شما هنگامی این سؤال را مطرح می‌کنید که مصر را از شما بازگرفته‌اند و شیعیان مرا به شهادت رسانده‌اند! سپس فرمود: به زودی نامه‌ای خواهم نوشت که پاسخ سؤال شما در آن نامه است؛ این خطبه قسمتی از آن نامه است (حسینی، ۱۳۹۵، ق: ۳۹۰-۳۹۲).

**۵. بررسی تاریخ معاصر حضرت به ویژه سال‌های حکومت ایشان:** دوران حکومت حضرت علی (ع) دوران بسیار پرتنش بود و حوادث خاصی در آن رخ داد. بسیاری از سخنان حضرت، ناظر به این وقایع است و می‌تواند شأن صدور برخی از کلمات حضرت را روشن کند. کتاب‌هایی همچون تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، دمشق، بغداد، الغارات ثقفی و حوادثی نظیر ماجرای سقیفه، قتل عثمان، جنگ‌های جمل، صفین، نهروان و ... از این جمله‌اند.

**۶. شناخت اطرافیان امام:** اطلاع از ویژگی‌های دوستان و دشمنان حضرت که ممکن بود مخاطب ایشان قرار گیرند کمک بزرگی در فهم شأن صدور سخنان ایشان دارد.

### معیارهای تشخیص جعل و تحریف در فضای صدور

شأن صدور کلمات حضرت امیر (ع) نیز همچون شأن نزول آیات از دخالت و دستبرد جاعلان و واضعان مصون نمانده است و در برخی موارد افرادی با اهداف گوناگونی به تغییر و یا جعل شأن صدور برای کلمات حضرت اقدام می‌کردند. به عنوان نمونه می‌توان به خطبه دویست و بیست‌وهشت اشاره کرد که برخی آن را در مدح عمر بن خطاب (ابن‌ابی‌الحدید، ۴/۱۲) و برخی در ستایش سلمان (قطب راوندی، ۱۴۰۶: ۴۰۲/۲؛ خطبه ۲۲۸) دانسته‌اند.

برای پالایش اخباری که شأن صدور کلمات حضرت را حکایت می‌کنند، معیارهایی را می‌توان در نظر گرفت.

**۱. عدم مخالفت با قرآن:** به حکم مصونیت قرآن از تحریف<sup>۱</sup> و به حکم روایات عرضه<sup>۲</sup> می‌بایست روایات بیان‌کننده سبب صدور روایات را بر قرآن عرضه کرد و در صورت عدم مخالفت آن با قرآن، پذیرفته می‌شوند.

**۲. موافقت با عقل:** عقل قوه تشخیص درست از نادرست و وسیله سنجش صحیح از سقیم و معیار ارزیابی انسان از اقوال و افعال خود و دیگران است و همچون چراغی روشن در مسیر حیات بشر قرار دارد تا راه درست را تشخیص دهد. قرآن کریم ضمن آیات مبارکش بارها انسان را به تفکر و تعقل فراخوانده است (از جمله نک: روم (۳۰)/۲۴؛ نحل (۱۶)/۱۲؛ عنکبوت (۲۹)/۴۳). روایات متعددی نیز در ستایش از

۱. از جمله آیاتی که به عدم تحریف اشاره دارد این دو آیه می‌باشد:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹)، ترجمه: در حقیقت ما خود، آگاه‌کننده (قرآن) را فرو فرستادیم، و قطعاً ما پاسداران آن هستیم؛ «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/۴۲)، ترجمه: که باطل از پیش روی آن و پشت سرش به سراغ آن نمی‌آید؛ (زیرا این) فرو فرستاده‌ای از جانب (خدای) فرزانه ستوده است.

۲. روایات عرضه مجموعه‌ای از روایات هستند که یکی از شرایط روایت صحیح را عدم مخالفت آن با قرآن می‌دانند؛ مانند «ما وافق کتاب الله فخذوه و ماخلف کتاب الله فدعوه» برای اطلاع بیشتر ر.ک. حرعاملی، ۱۳۹۱: ۱۸/باب ۹ روایات ۱۰-۳۴.

عقل و واداشتن به تفکر از معصومان نقل شده که دلالت بر اهمیت موضوع عقل و تفکر در جهان بینی اسلامی دارد (نک: کلینی، ج ۱: ۱۰-۲۹). بدیهی است که سخنان رسول اکرم (ص) و ائمه علیهم السلام، نمی‌تواند مخالف عقل باشد؛ از این رو عقل علاوه بر مباحث کلامی و فقهی، در این مبحث نیز حجیت دارد. بنابراین اگر در سبب صدور ذکر شده، نکته‌ای خلاف عقل دیده شود، مورد قبول قرار نمی‌گیرد، مگر این که راهی برای توجیه آن و خارج شدن آن از تعارض با حکم عقل پیدا کنیم.

**۳. عدم مخالفت با اجماع:** اتفاق دانشوران، چه در مذاهب اهل سنت و چه در مذهب شیعه، نسبت به معمول و محرّف بودن یک روایت، یا بخشی از روایات، یکی دیگر از دلایل بی‌اعتباری و عدم حجیت آن روایات شمرده می‌شود. بدیهی است که مقصود از اجماع در این بخش، مفهوم اصول آن نیست تا بحث از حجیت و عدم حجیت آن مطرح گردد، بلکه منظور، توافق صاحب‌نظران بر بطلان یک سبب نزول است، به گونه‌ای که موجب اطمینان شود.

**۴. نداشتن ضعف سندی:** آن چه در علم رجال و درایه به عنوان وجوه ضعف بیان شده است مانند وجود افراد متهم یا مشکوک در طریق روایت، باعث ضعف سندی آن روایت شده، آن را از اعتبار لازم ساقط می‌کند. همچنین آگاهی از تاریخ تولد و وفات افراد یا به اصطلاح رجالی «طبقه راوی و مروی عنه» از جهات مختلف در بررسی اسناد مورد اهمیت است. استفاده از این روش سبب می‌شود که تحریفات موجود در سند، از قبیل افتادگی یا زیادت در سلسله راویان، تأخیر و تقدّم در سند (نقل راوی متقدّم از متأخر)، تصحیف بین حروف عطف «واو» و «عن» و یا «ابن» به «عن»، خلط در سند، تصحیف نام راویان و عناوین مشترک ائمه را شناسایی کند.

**۵. هماهنگی با جریان‌های حاکم و سلطه‌ها:** بخشی از روایات، ساخته و پرداخته اشخاص و جریان‌های زور مدار و در جهت تأمین اهداف خود است. آنان در بسیاری موارد سخنان امام را به نفع خود مصادره و برای آن سبب صدور جعل می‌نمودند؛ بنابراین، اگر در مجموعه روایات فضای صدور به روایاتی برخوردیم که با اهداف و امیال سلطه‌گران و یا جریان‌های فکری انحرافی مسلط هماهنگ است، می‌باید آن‌ها را به‌عنوان روایات مجعول شناخت و از اعتماد کردن بر آن‌ها در تعیین سبب نزول یک آیه پرهیز کرد.<sup>۱</sup>

### معیارهای پذیرش و نقد فضای صدور

معیارهای نقد اسباب صدور در مجموع به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. بحث تفصیلی درباره ملاک‌های اعتبار و بی‌اعتباری روایات و نقل‌ها را باید در کتاب‌های رجال و علم الحدیث جستجو کرد؛ از آن جمله: صحیح صالح، علوم الحدیث/۲۸۲؛ احمد محمد علی داود، علوم القرآن والحدیث/۲۳۹؛ زین العابدین قربانی، علم الحدیث/ ۷۶؛ دکتر یوسف خلیف، دراسات فی القرآن و الحدیث/۶۳.

دسته اول: سبب‌هایی که از طریق تحلیل محتوای خطبه‌های نهج‌البلاغه به دست می‌آید که این موارد تنها از طریق عقل و قواعد فهم مناقشه‌پذیر است و یا دلیل نقلی صحیحی بر اثبات یا رد آن پیدا شود تا آن سبب را بتوانیم نقدپذیر نماییم و یا از آن صرف‌نظر کنیم، این موارد در میان خطبه‌های نهج‌البلاغه به تعداد معدودی وجود دارد.

دسته دوم: بیشترین نکته‌های اسباب صدور خطبه‌ها، از طریق تذکرات سید رضی قبل یا بعد از خطبه‌ها، مطالعه شروع نهج‌البلاغه، کتاب‌های تاریخی مربوط به حوادث قرن اول هجری و استفاده از کتاب‌های مصادر نهج‌البلاغه به دست آمده‌اند که همگی آن درواقع روایت تاریخی و در بیشتر موارد خبر واحد می‌باشند؛ لذا ملاک نقد آن‌ها همان ملاک‌های نقد صحت احادیث و منقولات تاریخی خواهد بود، به بیان دیگر همان معیارهایی که در تشخیص جعلی بودن احادیث به کار می‌روند، در نقد اسباب صدور خطبه‌ها نیز کاربرد خواهند داشت.

پرسشی در این‌جا مطرح است که اگر فضای صدور خطبه‌ها را در تمام احادیث مؤثر بدانیم، آیا ممکن نیست استفاده‌های ناروایی به همراه داشته باشد؟ مثلاً در هر حکمی ادعا کنیم که مربوط به عصر نبوی یا علوی بوده و اینک زمان اعتبار آن حکم به سر آمده است و باید حکمی دیگر جایگزین شود؟ آیا در این صورت از احکام دینی اثری باقی می‌ماند؟! در پاسخ باید دقت کرد که اصل توجه به فضای فرهنگی اجتماعی عصر شارع با قیاس فقهی و تمثیل منطقی، فرقی روشن دارد و وجه افتراق آن‌ها به قرار زیر است:

در تمثیل منطقی ما نیازمند به وجه شباهت دو پدیده هستیم و سپس با استناد به شباهت و همانندی دو پدیده، حکم یکی را بر دیگری سرایت می‌دهیم، اما در پدیده‌های شرعی باید علت حکم را دریابیم، سپس به استناد وجود آن علت در پدیده‌های دیگر به شباهت آن دو پی ببریم، سپس حکم اولی را به دومی سرایت دهیم.

آن‌چه استفاده از قیاس را در پدیده‌های شرعی سست و لرزان می‌کند همین نکته است که ما علت حکم را چیزی می‌دانیم درحالی که ممکن است درواقع علت حکم غیر آن باشد. لذا علما به این دلیل گفته‌اند که اگر علت حکم منصوص باشد و در لسان شارع بیاید، در آن صورت قیاس پذیرفتنی است. در اصل توجه به ویژگی‌های اجتماعی و معیشتی (فضای فرهنگی اجتماعی) به هیچ‌روی سخن در شباهت دو پدیده نیست؛ اما تکیه بر علت حکم است، یعنی ما می‌فهمیم که مثلاً صحت شرط‌بندی در مسابقاتی مانند تیراندازی و اسب‌سواری به علت اعداد و آماده ساختن افراد در پیکار و رزم است.

ممکن است به این دلیل به قیاس مانند کرد؛ ولی این توجه به فلسفه صدور حکم به معنای دریافت خودسرانه علت حکم نیست؛ بلکه زمینه تشخیص ملاک و علت صدور حکم است، آن‌چنان که ما در توجه به تقیه، به زمینه صدور حکم پی می‌بریم و در پرتو همین فهم و درک درمی‌یابیم که آن حکم و یا روایت ناظر به چه مطلبی است و مراد واقعی شارع چیست؟ (مبینی، ۱۳۷۵: ۱۲۱-۱۹)؛ بنابراین در نقل اسباب

صدور ما حکم را در یک مورد خاص نمی‌دانیم؛ بلکه در فهم بهتر حدیث و روایت از آن استفاده می‌کنیم، در بسیاری موارد متن نهج‌البلاغه فرا زمانی است و منحصر به تاریخ خاصی نیست.

### نتیجه‌گیری

توجه به فضا و سیاق برای ایراد سخن و فهم آن از اصول عقلایی محاوره است. تنوع موضوعی سخنان امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه نشان از این دارد که این کلمات گه‌ب‌ب‌بار در فضاها و موقعیت‌های گوناگونی ایراد شده است؛ موقعیت‌هایی همچون صلح، جنگ، پاسخ به سؤال، نصیحت، توبیخ و ... که می‌توان با استفاده از تحلیل متن نهج‌البلاغه، بهره‌گیری از نشانه‌های درون‌متنی و برون‌متنی، توضیحاتی که سید رضی در ابتدا و انتهای خطبه‌ها آورده است و نیز مطالعه شروح نهج‌البلاغه و برخی منابع تاریخی مربوط به حوادث قرن اول هجری، آن موقعیت‌ها را شناخت.

توجه به فضای صدور تک‌تک خطبه‌ها، نامه‌ها و حتی کلمات قصار آن حضرت می‌تواند ما را به فهم بهتر و دقیق‌تری از نهج‌البلاغه نائل سازد. این مسأله از رهگذر آشکار شدن مراد واقعی، تعیین شدن مصداق سخنان آن حضرت، مشخص شدن مرجع ضمائر و مشارالیه اسما اشاره به کار رفته در عبارت ایشان، شناخت شیوه تربیتی و حکومتی آن حضرت و ... حاصل می‌شود. از سوی دیگر فهم نهج‌البلاغه در فضای حاکم بر صدور آن، شخصیت اخلاقی، علمی و سیاسی امام علیه‌السلام را برای ما آشکارتر نموده و از او چهره‌ای پرهیزکار، با دانشی بسیار وسیع که فریفته و مقهور موقعیت‌ها و فضا سازی‌ها نمی‌شود را ترسیم می‌کند.

شایان ذکر است که بسیاری از شبهات و ابهامات مطرح‌شده درباره محتوای نهج‌البلاغه، به دلیل عدم شناخت کافی از مخاطبان حضرت، بی‌توجهی به عوامل ایراد خطبه و به‌طور کلی عدم آشنایی با فضای صدور کلمات حضرت است که می‌توان با کاوشی محققانه این شبهات را رفع کرد.



## منابع

- قرآن کریم ترجمه‌ی محمد علی رضایی اصفهانی.
- نهج البلاغه ترجمه‌ی سید جعفر شهیدی.
- ابن ابی‌الحدید (بی‌تا)، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن حجر عسقلانی (بی‌تا)، لسان المیزان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمدهارون، قم: مکتب الاعلام السلامی.
- ابوزهره، محمد (بی‌تا)، تاریخ المذاهب الاسلامیه فی السیاسة و العقائد، بیروت: دارالفکر العربی.
- احسان‌النص (بی‌تا)، الخطابه العربیة فی عصرها الذهبی، القاهرة: دارالمعارف قاهرة.
- اسکافی، محمدبن عبدالله (بی‌تا)، المعیار و الموازنه، تحقیق محمدباقر المحمودی، بی‌جا: بی‌نا.
- بحرانی، ابن میثم (۱۴۱۳ ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمدالحسن (۱۳۹۱ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسکانی، عبیدالله (بی‌تا)، شواهد التنزیل، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
- حسینی، عبدالزهراء (۱۳۹۵ ق)، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- ذهبی، محمدبن احمد (بی‌تا)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار المعرفة.
- زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۰۸ ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۴ ق)، عیون اخبار الرضا، بیروت: مؤسسه اعلمی، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۳)، قرآن در اسلام، تصحیح محمد باقر بهبودی، طهران: دارالکتب الاسلامیة.
- طبرسی، احمدبن علی (۱۳۸۶ ق)، الاحتجاج، نجف: دارالنعمان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)، العین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فروخ، عمر (۱۹۸۳ م)، تاریخ الفکر العربی الی ایام ابن خلدون، بیروت: دار العلم للملایین.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۹۹ ق)، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر، قم: دارالهجره.
- قطب‌راوندی، سعیدبن هبة‌الدین (۱۴۰۶ ق)، منهاج البراعة، قم: منشورات آیت الله مرعشی.
- کاشف‌الغطاء، هادی (۱۳۵۴ ق)، مستدرک نهج البلاغه، نجف اشرف، مطبعة الراي.
- کلینی، محمدابن یعقوب (۱۳۶۱)، الکافی، قم: نشر دفتر نشر فرهنگ اهل البيت.
- مبینی، حسن (۱۳۷۵)، اجتهاد در بستر تغییرات زمان و مکان، تهران، آوای نو، چ اول.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی (۱۹۷۹ م)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، بحار الانوار، بیروت: دار الرضا.

- 
- محمودی، محمدباقر (۱۳۹۷ م)، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت: دارالتعاريف للمطبوعات.
  - مسعودی، علی بن حسین (۱۹۴۸ م)، مروج الذهب، قاهره: مكتبة التجارية الكبرى، چاپ دوم.
  - مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، سیری در نهج البلاغه (مجموعه آثار/۱۶)، قم: صدرا.
  - مفید، محمدبن محمد (۱۳۶۸ ق)، الجمل، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة.
  - واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۴ ق)، اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العربی.
  - هاشم، احمد عمر (۱۴۱۸ ق)، قواعد اصول الحدیث، بیروت: دارالکتب العربی.
  - سلیمانی، داود (۱۳۸۳ ش)، «اسباب صدور حدیث»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۶.
  - مرتضی عاملی، سید جعفر (۱۳۶۹)، «گفتگو با استاد جعفر مرتضی عاملی»، آینه پژوهش، شماره ۵.
  - معماری، داود (۱۳۷۷)، «جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث»، مطالعات اسلامی، شماره ۳۹ و ۴۳.